

Damages for delay in performing contractual obligations in Iranian law and international sales convention

Chamran Rafiepour¹, Majid Safavi², Saleh Yamerli³

Abstract

Field and Aims: Violation of contractual obligations is referred to as contractual liability, and in contractual liability, the harmful action is often in the form of omission, such as delay or non-fulfillment of the obligation or breach of execution. If as a result of the delay or non-implementation of the contract and the breach of the contract by one party, the other party suffers damage, the violator must compensate it. This issue has been considered not only in domestic regulations but also in the International Sale of Goods Convention. Based on this, in this article, we will investigate what the meaning and concept of damages for delay in the implementation of contractual obligations is, and what position does it have in Iran's legal system and the Convention on the International Sale of Goods?

Method: The present research was carried out with a descriptive-analytical method.

Finding and Conclusion: If the breach of contract caused by the non-fulfillment of the obligation or the delay in the fulfillment of the obligation by one of the parties to the contract causes damage to the other party, he has the right to claim and compensate for the damage. This right to demand damages is separate from other compensation methods such as forced execution and termination of the contract. Regarding the conditions of damages for delay in the implementation of contractual obligations in Iranian law, attention is paid to such things as proof of fault, foreseeability and establishing the relationship of causation. From the point of view of the Convention on the International Sale of Goods and the principles of international commercial contracts, the purpose of compensation is to put the injured party in the position of performing the contract, and on this basis, the "theory of full compensation" has been accepted, according to which, the injured party, in addition to the losses incurred, He can also claim any benefits he is deprived of.

Keywords: contractual obligations, contractual liability, violation of contractual obligations, international sale of goods convention, damage.

*Citation (APA): Rafiepour, CH., Safavi, M., Yamerli, S. (2022). Damages for delay in performing contractual obligations in Iranian law and international sales convention. *International Legal Research*, 15(56), 277-296.

https://alr.ctb.iau.ir/article_694604.html?lang=en

1. Doctoral student of private law, Gorgan branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran, Email: chamran.rafiyepor48@gmail.com

2. Department of Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran, Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, Golestan University, Gorgan, Iran (corresponding author). Email: m.safavi@gu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Theology, Gonbad Kavos University, Gonbad Kavos, Iran Email: salehyamrali@gonbad.ac.ir

خسارت تأخیر در انجام تعهدات قراردادی در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی

چمران رفیعی پور^۱، مجید صفوی^۲، صالح یمرلی^۳

چکیده

زمینه و هدف: از نقض تعهدات قراردادی با عنوان مسئولیت قراردادی یاد می شود که در مسئولیت قراردادی فعل زیانبار غالباً بصورت ترک فعل مانند تأخیر یا عدم اجرای تعهد یا نقض اجرا می باشد. هرگاه در نتیجه تأخیر یا عدم اجرای قرارداد و پیمان شکنی یک طرف به طرف دیگر خسارت برسد، متخلف باید آن را جبران کند. این امر نه تنها در مقررات داخلی بلکه در کنوانسیون بیع بین المللی کالا نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس در این مقاله به بررسی این امر می پردازیم که خسارت تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی از چه معنا و مفهومی برخوردار بوده و در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا از چه جایگاهی برخوردار است؟

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: هرگاه نقض قرارداد ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر در اجرای تعهد از ناحیه یکی از طرفین قرارداد موجب خسارت به طرف دیگر شود، وی حق مطالبه و جبران خسارت را دارد. این حق مطالبه خسارت جدای از سایر طرق جبرانی نظیر اجرای اجباری و فسخ قرارداد است. در خصوص شرایط خسارت تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی در قانون ایران به مواردی چون اثبات تقصیر، قابل پیش بینی بودن و احراز رابطه سببیت توجه می گردد. از منظر کنوانسیون بیع بین المللی کالا و اصول قراردادهای تجاری بین المللی، هدف جبران خسارت، قرار گرفتن زیان دیده در موقعیت اجرای قرارداد است و بر این مبنا «نظریه جبران کامل خسارت» پذیرفته شده که بر اساس آن، زیان دیده علاوه بر زیان های وارده، هرگونه نفعی که از آن محروم شده را نیز می تواند مطالبه نماید.

کلیدواژه‌ها: تعهدات قراردادی، مسئولیت قراردادی، نقض تعهدات قراردادی، کنوانسیون بیع بین المللی کالا، خسارت.

* استناددهی (APA): رفیعی پور، چمران؛ صفوی مجید؛ یمرلی، صالح. (۱۴۰۱). خسارت تأخیر در انجام تعهدات قراردادی در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی. *تحقیقات حقوقی بین المللی*، ۱۵(۵۶)، ۲۷۷-۲۹۶.
https://alr.ctb.iau.ir/article_694604.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

رایانامه: chamran.rafeypor48@gmail.com

۲. گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی و اجتماعی،

دانشگاه گلستان، گرگان، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: m.safavi@gu.ac.ir

۳. استادیار گروه الهیات، دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران. رایانامه: salehyamrli@gonbad.ac.ir

مقدمه

با آنکه اصل بر لزوم اجرای قراردادهاست اما عدم اجرای قرارداد یا تاخیر در اجرای قرارداد یکی از ریسک‌هایی است که طرفین قرارداد با آن رو به رو هستند. از این شکل از نقض تعهدات قراردادی در قانون ما با عنوان مسئولیت قراردادی یاد می‌شود.

در مسئولیت قراردادی فعل زیانبار غالباً بصورت منفی (ترك فعل) است مانند تاخیر یا عدم اجرای تعهد یا نقض اجرا (عدم انجام تعهد بطور کامل) بدین جهت به اینگونه افعال در زیانبار در مبحث مسئولیت قراردادی عنوان عهد شکنی داده شده است. در تعهداتی که موضوع آنها ترك فعل است نیز با اینکه متعهد با انجام فعلی موجب ورود خسارت می‌گردد و در حقیقت فعل زیانبار بصورت فعل مثبت جلوه گر می‌شود اما از آنجا که خسارت وارده ناشی از نقض تعهد (تعهد عدم انجام فعل) می‌باشد، باز هم عنوان عهد شکنی بر آن صادق است. نکته ای که باید بدان توجه داشت این است که در مسئولیت قراردادی نیز باید فعل زیانبار فاقد مجوز قانونی و نامشروع باشد که به این گونه افعال، افعال فاقد مجوز نسبی نیز لقب داده اند. (امیری قائم مقامی، ۱۳۸۵: ۱۵۵) موضوع تاخیر در اجرای تعهدات قراردادی صرفاً محدود به قراردادهای بیع داخلی نبوده و در تعهدات دولتها ذیل کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیز بیان شده است. همچنین موضوع خسارت ناشی از تاخیر در اجرای تعهدات قراردادی و شیوه جبران آن نیز مورد توجه قرار گرفته است.

مواد ۷۴ تا ۷۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰)، به مقوله جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد اختصاص یافته است. ماده ۷۴ با بیان حکم کلی، از لزوم جبران خسارت سخن گفته و مواد ۷۵ و ۷۶ از انعقاد معامله جایگزین و رجوع به قیمت رایج، به عنوان دو شیوه جبران خسارت یاد کرده است. ماده ۷۷ نیز به قاعده تقلیل خسارت اشاره کرده است. بر اساس این قاعده، اگر زیان‌دیده در جلوگیری از وقوع خسارت کاهلی کند، تا میزانی که می‌توانسته است جلوگیری نماید، مستحق مطالبه خسارت نخواهد بود. اصول مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، اصول اروپایی حقوق قراردادی، حقوق فرانسه و حقوق ایران در زمینه جبران خسارت ناشی از نقض تعهد قراردادی تفاوت‌هایی با مقررات کنوانسیون دارند. (صادقی، ۱۳۸۳: ۱) بر این اساس در این مقاله به بررسی این امر می‌پردازیم که خسارت تاخیر در اجرای تعهدات قراردادی از چه معنا و مفهومی برخوردار بوده و در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از چه جایگاهی برخوردار است؟

۱. ماهیت نقض تعهدات قراردادی

نقض قرارداد یا نقض تعهد به معنای این است که متعهد آنچه به موجب قرارداد متعهد به انجامش بوده انجام ندهد یا نقض تکلیفی انجام دهد. (زکول و واگنر^۱، ۲۰۱۸: ۳۰۰) زمانیکه نقضی رخ می دهد، متعهد ممکن است مسئول آن شناخته نشود و در حقیقت نقض تکلیف مفهومی فراتر از روابط قراردادی است و «هرگونه عهدشکنی» را دربر دارد. (بادینی و فروزان، ۱۳۹۷: ۴۳)

برخی به جای نقض قرارداد یا نقض تعهد از واژه «عدم اجرای تعهد» استفاده می کنند و برخی دیگر نیز به جای آن عبارت «بی ترتیبی در اجرا»^۲ بکار می برند که همه انواع نقض تعهد مانند عدم مطابقت اجرا یا اجرای بخشی از تعهد را نیز شامل می شود. (مارکسینیس و دیگران^۳، ۲۰۰۶: ۳۷۹) در حقوق ایران، نقض قرارداد با عدم انجام تعهدات قراردادی، تأخیر در ایفای تعهدات، اجرای قسمتی از تعهدات یا عدم اجرای تعهدات مطابق با قصد طرفین معنا شده است. (شهیدی، ۱۳۸۶: ۵۰)

در حقوق ایران، نظر غالب بر این است که عدم اجرای قرارداد، به علت قوه قاهره، نقض قرارداد تلقی نمی شود. (طهماسبی، ۱۳۹۷: ۳۳) اگر چه برخی معتقدند با وجود قوه قاهره قرارداد به قوت خود باقی است و متعهد ناقض قرارداد است، اما به علت شرایط معاف از پرداخت خسارت می شود. (نیکبخت، ۱۳۷۵: ۱۰۶) تأخیر در انجام تعهدات قراردادی می تواند موجب بروز خسارت به طرف دیگر گردد و بر این اساس مسئولیت قراردادی را در پی داشته باشد. در خصوص اجرای قراردادها اصل بر لزوم اجرای آنهاست و عدم اجرای تعهدات و یا تأخیر در اجرای تعهدات ممکن است به دلایلی موجب مسئولیت نگردد.

هرگاه در نتیجه تأخیر یا عدم اجرای قرارداد و پیمان شکنی یک طرف به طرف دیگر ضرر برسد، متخلف باید آن را جبران کند. این التزام را مسئولیت ناشی از قرارداد یا مسئولیت قراردادی گفته اند که با دادن مبلغی پول جبران می شود. گرچه برخی آن را بدل و جایگزین تعهد اصلی دانسته اند ولی تعهد اصلی از خود قرارداد و مسئولیت قراردادی از عدم اجرای قرارداد یا تعهد قراردادی ناشی می شود چنانکه لزوم ضرر منوط به تصریح در قرارداد، یا عرف شده است. (قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۲۲۵)

ماده (۲۲۱) قانون مدنی مقرر می دارد «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد.» بنابراین شرط ایجاد مسئولیت قراردادی توافق صریح دو طرف، حکم قانون یا عرف

1. Zekoll & Wagner

2. Irregularities in performance

3. Markesinis

است. هرگاه مسئولیت قراردادی ضمن عقد پیش بینی نشده باشد، باید حکم قانون بر مبنای تسبیب شخص متخلف عرف لزوم جبران خسارت را بپذیرد.

۲. خسارت تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی

برای تبیین بهتر خسارت ناشی از تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی لازم است تا بدواً به مفهوم خسارت قراردادی بپردازیم.

۲-۱. مفهوم خسارت تأخیر در اجرای تعهدات

مفهوم خسارت را در فرهنگ فارسی به معنای ضرر زدن، زیانمندی، ضرر و زیان و... عنوان نموده‌اند (معین، ۱۳۶۰: ۲۱۹۵) هنگامی که از خسارات حاصله از عدم اجرای تعهدات یا جبران آن گفته می‌شود، منظور از خسارت به معنی ضرر و زیان است و زمانی که از تأدیه خسارات بحث می‌شود به معنای چیزی است که برای جبران ضرر پرداخت می‌شود.

در تعریف ضرر نیز آمده است: «هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت شخص لطمه ای وارد آید، می‌گویند ضرری به بار آمده است» (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۳۸) همانطور که در تعریف مشاهده می‌شود ضرر می‌تواند در اثر از بین رفتن مالی باشد یا در نتیجه از دست دادن منفعتی. واضح است که در صورت از دست رفتن مال می‌توان ورود ضرر را اثبات و تقاضای جبران ضرر و زیان کرد. مانند وقتی که به ماشین فردی خسارتی وارد می‌شود این خسارت قابل مشاهده است. اما در مورد منفعت از دست رفته جای بحث دارد. آیا از دست دادن منافع یا منفعتی که می‌شد بدست آورد ولی به دلیل ورود ضرر امکان رسیدن به آن ممکن نشد هم قابل مطالبه است؟ در قانون آیین دادرسی کیفری ماده (۱۴) آمده است که «شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیانهای مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول را بخواهد». بنابراین و با توجه به نص ماده می‌توان گفت که از دست رفتن منفعت در حکم تلف مال است اگر چه هنوز ایجاد نشده است همانطور که در ماده مذکور از دست رفتن منفعت (ممکن الحصول) در زمره ضرر آمده است.

همانطور که از تعریف دکتر کاتوزیان در مورد ضرر و ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری قابل برداشت است ضرر به دو دسته ضرر مادی و ضرر معنوی تقسیم می‌شود.

در حقوق ما اعم از قوانین مدنی و جزایی، ضرر مادی تعریف نشده است. به نظر می‌رسد که این خلا قانونی را بتوان با توجه به وضوح موضوع و مفهوم عرفی ضرر مالی، که به سادگی برای همه مردم قابل تشخیص است، جبران کرد و ضرر مادی ناشی از ارتکاب جرم را چنین تعریف نمود: ((ضرر مادی عبارت است از کسر ثروت یا دارایی یا از بین رفتن مال یا منافع اشخاص) اعم از حقیقی و حقوقی). اما در ترمینولوژی حقوق دکتر لنگرودی ضرر مادی از نظر مدنی

اینگونه تعریف شده است: «ضرر مالی و بدنی را گویند و در مقابل ضرر معنوی استعمال می شود.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۳۵۳۸)

بر مبنای ماده (۷۲۸) قانون آیین دادرسی مدنی «در مورد ماده فوق در صورتی که دادگاه حکم خسارت می دهد که مدعی خسارت ثابت کند که ضرر به او وارد شده و این ضرر بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن یا عدم تسلیم محکوم به بوده است. ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که انجام تعهد حاصل می شده است.» به موجب ماده (۷۲۸) آیین دادرسی مدنی می توان عدم النفع را منشاء خسارت دانست ولی بشرط اینکه قاعده بالا و شرایط آن جمع شود. در ماده (۲۲۶) قانون مدنی ایران و فصل مربوط به آن با توجه به ماخذ فرانسوی آن مجوز اخذ خسارت ناشی از عدم النفع است. ماده (۴۹) قانون ثبت و نیز بند (۳) ماده (۹) قانون آیین دادرسی کیفری به طور کلی عدم النفع را ضرر شمرده است. بنابراین تبصره (۲) ماده (۵۱۶) قانون آیین دادرسی مدنی خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست و خسارت تأخیر تادیه در موارد قانونی، قابل مطالبه می باشد.

مطابق ماده (۲۲۶) قانون مدنی «در مورد عدم ایفاء تعهدات از طرف یکی از متعاملین طرف دیگر نمی تواند ادعای خسارت نماید مگر اینکه برای ایفاء تعهد مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد و اگر برای ایفاء تعهد مدتی مقرر نبوده طرف وقتی می تواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام با او بوده و ثابت نماید که انجام تعهد را مطالبه کرده است.» بهترین مثال از برای زمان اجرای تعهدات قراردادی نحوه خرید خودرو در بازار امروزی است. بدینگونه که یک دسته از آنها که خودروهای تحویل فوری لقب دارد، به محض پرداخت وجه آن در محل بنگاه تحویل خریدار می شود. دسته دیگر که به صورت پیش ثبت نام عرضه می شود و تاریخ قطعی تحویل آن از طرف کارخانه سازنده، همزمان با پرداخت بیعانه تعیین می گردد. دسته سوم شامل خودروهای نوعاً وارداتی است که هنگامی که خودرو بر روی عرشه کشتی است با اخذ بیعانه و اقساط معینی، پیش قراردادی تنظیم می شود. لیکن نظر به اینکه مراحل گذر از گمرک با متغیرهای خارج از اراده نمایندگی آن روبروست، لذا تاریخ تحویل آن بر اساس نظر گمرک (به عنوان ثالث) اعلام می شود. بدیهی است در هر یک از موارد فوق چنانچه با توافق طرفین خسارت تأخیر تحویل پیش بینی شده باشد، حسب مورد به تعداد روزهای آن از مبلغ مانده ثمن، قابل کسر خواهد بود. (پایگاه اطلاع رسانی قوه قضاییه، ۱۳۹۷)

ممکن است، در اثر خودداری متعهد از اجرای تعهد، مالی از اموال متعهدله از دارایی او خارج شود، یعنی نسبت به او تلف شود. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۹۰) مانند اینکه متعهدله به علت تأخیر متصدی تأسیسات در نصب دستگاه گرمای که مورد تعهد او بوده است، مجبور شود مبالغی بیشتر از هزینه کارگران تأسیسات مزبور برای تأمین حرارت لازم ساختمان محل نصب دستگاه صرف

کند. این مبالغ اضافی که در حقیقت از دارایی متعهدله خارج شده است، خسارت تلف مال محسوب می‌شود که اگر تعهد قراردادی به موقع اجرا می‌شود، به متعهدله تحمیل نمی‌شود. (شهی، ۱۳۸۶: ۶۹) با این وصف به مطالعه و بررسی شرایط خسارت تاخیر در اجرای تعهدات قراردادی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۲-۲. شرایط خسارت تاخیر در اجرای تعهدات قراردادی

هرگاه نقض قرارداد ناشی از عدم انجام تعهد یا تاخیر در اجرای تعهد از ناحیه یکی از طرفین قرارداد موجب خسارت به طرف دیگر شود، وی حق مطالبه و جبران خسارت را دارد. این حق مطالبه خسارت جدای از سایر طرق جبرانی نظیر اجرای اجباری و فسخ قرارداد است. همچنین لازم نیست نقض تعهد از ناحیه مدیون که به طلبکار حق درخواست جبران خسارت را می‌دهد، لزوماً همراه با تقصیر باشد.

تردید نیست که نقض قرارداد ناشی از تاخیر در اجرای قرارداد و لزوم جبران خسارت در هر قراردادی به دلایل متعددی امکانپذیر است. لذا تدوین مقررات مدونی برای حکومت بر کلیه موارد مربوط به این پدیده، کاری بسیار مشکل و شاید ناممکن است. در مقابل آنچه شدنی است، آن است که مقررات کلی و جامع تدوین گردد که بتواند موارد مربوط به جبران خسارت قراردادی را تسهیل و روشن سازد، بطوری که در هر موردی بتوان از این مقررات کلی استفاده نمود. (صفایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۲۶)

مطابق ماده (۷۴) کنوانسیون بیع بین‌المللی «خسارات ناشی از نقض قرارداد بوسیله یکی از طرفین عبارت است از مبلغی برابر زیان، از جمله عدم‌النفعی، که طرف دیگر بر اثر نقض متحمل شده است. چنین خساراتی نمی‌تواند از مقدار زبانی که نقض کننده، در زمان انعقاد قرارداد و در پرتو حقایق و موضوعاتی که در همان موقع از آنها مطلع بوده یا نمی‌توانسته است از آنها بی‌اطلاع باشد، به عنوان اثر احتمالی نقض قرارداد پیش بینی کرده یا می‌یابد پیش بینی می‌کرد، متجاوز باشد.» در مقررات کنوانسیون بیع بین‌المللی باید نقض قرارداد صورت گرفته باشد. به عبارت دیگر صرف نقض قرارداد کافی است و لازم نیست خواننده مرتکب تقصیر هم شده باشد. بین نقض قرارداد و خسارت وارد شده رابطه سببیت وجود داشته باشد که این شرط بطور ضمنی در ماده (۷۴) کنوانسیون بیع بین‌المللی بیان شده است.

۲-۲-۱. اثبات تقصیر

در خصوص تقصیر باید گفت نظام‌های حقوقی رومی ژرمنی از دیرباز تقصیر را عنصر اصلی حقوق تعهداتشان می‌دانستند و، برخلاف نظام‌های کامن‌لا، مباحث بسیاری پیرامون تقصیر در حقوق این کشورها وجود دارد. تقصیر سنتی را عملی نامشروع و قابل سرزنش تعریف می‌کردند

که قابل انتساب به عامل آن است (صفایی و رحیمی، منبع پیشین: ۱۴۶) البته پس از تحولات صورت گرفته در مفاهیم مسئولیت مدنی در قرن بیستم، تقصیر مفهومی نوعی یافته است و اکنون تجاوز از رفتار متعارف ملاک تقصیر است. شایان ذکر است که مفهوم تقصیر در مسئولیت مدنی قراردادی و الزامات خارج از قرارداد متفاوت است.

به اعتقاد برخی، در نظام حقوقی ایران، عدم اجرای تعهدات ناشی از قرارداد تقصیر تلقی می شود و طرف قرارداد برای مطالبه خسارت نیاز به اثبات تقصیر متعهد ندارد. البته بین نویسندگان در این خصوص اتفاق نظری وجود ندارد. دو نظر شایان توجه از طرف حقوقدانان ایرانی در اینجا مطرح شده است: نظر اول این است که اجرا نشدن قرارداد و تخلف از اجرای تعهدات تقصیر تلقی می شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۵۶) نظر دوم مبتنی بر این است که اجرا نشدن قرارداد اماره بر تقصیر است؛ بر مبنای این نظر، عمد و آگاهی کامل نسبت به فعل تخلف و خودداری از انجام تعهد یا بی احتیاطی و اهمال از مصادیق تقصیر است. (شهیدی، ۱۳۸۶: ۶۷)

در واقع اثبات خطا بر متعهدله نیست، بلکه قانونگذار فرض خطا برای متعهد کرده است و ماده (۲۲۷) قانون مدنی نیز به پیروی از قانون مدنی فرانسه صریحاً این معنا را آورده است و مقرر می دارد «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تادیه خسارت می شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی توان مربوط به او نمود.»

دو رویکرد در آثار نویسندگان ایرانی در خصوص تقصیر مشاهده می شود: رویکرد اول بر این مبناست که در مسئولیت قراردادی نیز، همانند الزامات خارج از قرارداد، تقصیر یکی از عناصر تحقق مسئولیت است و عدم اجرای قرارداد، در صورتی که متعهد مانند انسان متعارفی رفتار کرده باشد، نمی تواند تقصیر او را اثبات کند. رویکرد دوم بر این باور است که فقط در موارد خاصی، مانند بند (۲) ماده (۱۱۳) قانون دریایی، متعهد برای اثبات اینکه تقصیری کرده باید اثبات کند که مانند انسان متعارفی رفتار کرده است. در نتیجه، به استناد مواد (۲۲۷) و (۲۲۹) قانون مدنی ایران، فقط در صورتی که متعهد ثابت کند مطابق مواد (۲۲۷) و (۲۲۹) عدم اجرای قرارداد مستند به حادثه غیرقابل پیش بینی و غیرقابل اجتنابی بوده، تقصیر از او برداشته می شود.

۲-۲-۲. قابل پیش بینی بودن

از جمله موارد دیگری که در زمره شرایط خسارت باید عنوان نمود قابل پیش بینی بودن ضرر است. زیانهای مستقیم ناشی از نقض تعهد قراردادی ممکن است طبیعی و عادی یا استثنایی و نامتعارف باشد. در بسیاری از نظام های حقوقی این قاعده که ناقض تعهد تنها مسئول خساراتی است که برای او قابل پیش بینی بوده یا حداقل از نظر عرف می بایست آن ها را پیش بینی می کرده پذیرفته شده است.

در حقیقت خواننده مسئول زیان‌هایی است که در حین انعقاد قرارداد و به عنوان زیان ناشی از نقض قرارداد قابل پیش‌بینی بوده است. این امر در ماده (۷۴) کنوانسیون بیع بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. معیار قابلیت پیش‌بینی ضرر و یا عدم آن یک معیار نوعی است. همچنین قابلیت پیش‌بینی نوع ضرر کافی است و لازم نیست میزان آن هم قابل پیش‌بینی باشد. (صفایی و دیگران، منبع پیشین: ۲۲۷)

در نظام حقوقی کامن‌لا این قاعده به صراحت ذکر شده و تردیدی در وجود آن نیست؛ اما در حقوق برخی کشورها مانند آلمان (از خانواده نظام حقوقی رومی-ژرمنی) قاعده قابلیت پیش‌بینی زیان به صراحت نیامده است و بسیاری در وجود چنین قاعده‌ای در حقوق این کشور تردید کرده‌اند. از طرفی، برخی معتقدند که از نظریه «سبب متعارف و اصلی» می‌توان قابلیت پیش‌بینی را آن گونه که در کامن‌لا مرسوم است، دریافت. (جنس^۱، ۲۰۱۶: ۲۳۵)

قابلیت پیش‌بینی زیان در حقوق ایران نیز در آثار نویسندگان مورد توجه قرار گرفته است و به تعبیر برخی «در این قاعده که زیانهای دور از انتظار و پیش‌بینی دو طرف که به اسباب نامتعارف و ویژه دعوا بستگی دارد در قلمرو مسئولیت قراردادی قرار نمی‌گیرند، تردید نباید کرد. (کاتوزیان، منبع پیشین: ۲۲۶) از روح ماده ۶۳۲ قانون مدنی نیز قصد قانونگذار برای معافیت از مسئولیت‌های ناخواسته و پیش‌بینی نشده قابل برداشت است. (شهیدی، منبع پیشین: ۸۱) برناردی حقوقدان شهیر فرانسوی برای کاهش ابهام این قضیه ملاک‌هایی را بدست می‌دهد و معتقد است که قابلیت پیش‌بینی ضرر در پرتو تجربه تجار و در پرتو حقایق و موضوعات بطور نوعی بدست می‌آید. (ادی^۲، ۱۹۹۰: ۱۶۴) در متن ماده (۷۴) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا تصریحی به این قضیه نشده است اما به نظر می‌رسد اگر ضرر قابل پیش‌بینی باشد باید جبران شود اعم از اینکه مستقیم باشد یا غیر مستقیم. بنابراین مستقیم بودن زیان، شرط لازم برای مطالبه خسارت نیست.

۲-۲-۳. احراز رابطه سببیت

در نقض تعهدات قراردادی ناشی از تاخیر در اجرای قرارداد یکی دیگر از شروط اخذ خسارت وجود رابطه سببیت می‌باشد. البته برخی در اثبات رابطه سببیت توسط متعهد تردید دارند؛ اما باید گفت حتی هنگامی که قانون اماره تقصیر متعهد را مقرر داشته است، فرض وجود تقصیر را نمی‌توان دلیل مفروض بودن وجود رابطه سببیت برای خسارت وارده بر متعهدله دانست.

در آثار نویسندگان ایرانی نیز این نظریه مورد بررسی قرار گرفته است. بر طبق این نظریه، اگر تقصیر شخص احتمال نوعی ورود خسارت را که در واقع اتفاق افتاده به طور خاص بالا برده است، مسئول ورود خسارت است. در نتیجه، باید بین سبب ورود ضرر و شرایطی که زمینه را برای تأثیر

1. Jansen
2. Audit



سبب فراهم آورده است تفاوت قائل شد و نباید تمامی حوادث و شرایطی را که در به وجود آمدن ضرر دخیل بود هاند در زمره اسباب آورد. (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۴۶۶) اعمال قاعده سبب کافی هم نوعی و هم شخصی است و پرداخت خسارت را نه تنها محدود نمی کند که بیشتر می نماید. این معیار، معیار انسان متعارف در موقعیت طرف خطا کار ناقص قرارداد است، مبنی بر اینکه آیا با دانشی که هر انسان متعارفی در چنین موقعیتی دارد چنین فردی مقصر است یا نه. (حسینی، ۱۳۹۹: ۱۴۴)

در حقوق ایران وجود رابطه سببیت برای اینکه متخلف از انجام تعهدات قراردادی را مسئول بدانیم ضرورت دارد؛ همچنین از ماده (۵۲۰) قانون آیین دادرسی مدنی که ناشی بودن خسارت از عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد را برای قابل مطالبه بودن آن ضروری می داند، لزوم وجود رابطه سببیت تخلف از انجام تعهد قابل برداشت است. در واقع، برخلاف تقصیر متعهد که معمولاً مفروض است، رابطه سببیت نیاز به اثبات متعهدله دارد.

۳. جبران خسارت ناشی از تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی

جبران خسارت، ضمانت اجرایی مهم و مستقل، در مورد تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی محسوب می شود. از منظر کنوانسیون بیع بین المللی کالا و اصول قراردادهای تجاری بین المللی، هدف جبران خسارت، قرار گرفتن زیان دیده در موقعیت اجرای قرارداد است و بر این مبنا «نظریه جبران کامل خسارت» پذیرفته شده که بر اساس آن، زیان دیده علاوه بر زیان های وارده، هرگونه نفعی که از آن محروم شده را نیز می تواند مطالبه نماید. این نظریه در حقوق ایران با توجه به قوانین فعلی که عدم النفع را غیر قابل مطالبه می داند، با چالش مواجه است. (زنکنه شهرکی، ۱۳۹۵: ۲)

کنوانسیون بیع بین المللی کالا به عنوان یکی از موفق ترین اسناد بین المللی که مورد پذیرش بیش از هفتاد کشور جهان واقع شده است، در مواد ۷۴ تا ۷۸ نظام خاصی را برای جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد (عدم انجام تعهد یا تأخیر در اجرای تعهد) پیش بینی کرده است که بر اصولی از قبیل جبران کامل خسارت و قابلیت پیش بینی زیان متکی است. البته در خصوص شرط خسارت باید گفت که شرط خسارت جایگاه صریحی در این نظام خسارت ندارد و اختلافات کشورهای متعاقد موجب شده است تا کنوانسیون از تصویب حکمی در این موضوع بازمانده و آن را به سکوت برگزار کند. (مقصودی و ایمان پور، ۱۳۹۲: ۱۱۶) در دو نظام حقوقی کامن لا و رومی-ژرمنی می توان تفاوت مفهوم و مشخصات شرط خسارت را در تفاوت حقوق انگلستان و فرانسه مشاهده نمود. در حقوق انگلستان توافق طرفین بر مبلغ قابل پرداخت در صورت نقض قرارداد به عنوان یک جایگزین برای قواعد خسارت در کامن لا محسوب می شود و چنانچه شرط خسارت مورد توافق معتبر باشد، قواعد خسارت کامن لا در رابطه با تخلف مورد نظر در شرط

اعمال نمی‌شود. (ویل موت^۱، ۲۰۰۱: ۷۲۱) در انگلستان از این شروط به عنوان «شروط توافق بر خسارت^۲» یاد می‌کنند و به طرفین قرارداد اجازه می‌دهند تا نتایج نقض قرارداد را شرط نمایند. حقوق انگلیس در مقام شناسایی شرط خسارت بین دو مفهوم «خسارت مقطوع» و «شرط کیفری» قائل به تفکیک می‌شود بطوری که شرط خسارت مقطوع معتبر اما شرط کیفری غیر قابل اجرا اعلام شده است. شرط خسارت مقطوع عبارت از تلاش واقعی برای پیش بینی خسارت ناشی از نقض قرارداد است. به محض اینکه یک شرط به عنوان خسارت مقطوع توصیف شد، مبلغ مقطوع، قابل پرداخت خواهد بود. صرف نظر از اینکه زیان واقعی بیشتر یا کمتر از مبلغ شرط شده باشد. آراء دادگاه انگلیس نشان می‌دهد که خواهان نمی‌تواند خسارت غیر مقطوع را علاوه بر خسارت مقطوع که در قرارداد برای فرض وقوع خسارت تعبیه شده است، مطالبه کند و نیز نمی‌تواند از شرط مقطوع صرف نظر کند و برای خسارت غیر قراردادی اقامه دعوی نماید. (مک‌گریگور^۳، ۲۰۰۳: ۴۲۷) با این توصیف به بررسی جبران خسارت قراردادی ناشی از تاخیر در اجرای تعهد در حقوق ایران می‌پردازیم.

۳-۱. جبران خسارت قراردادی در حقوق ایران

تاخیر در اجرای قرارداد ممکن است از ناحیه فروشنده از باب تسلیم کالا و یا از سوی خریدار از باب پرداخت ثمن باشد. این امر ممکن است موجب خساراتی برای هر یک طرفین گردد که در نظام‌های حقوقی و از جمله ایران برای این منظور شیوه‌هایی برای جبران خسارت پیش بینی شده است.

۳-۱-۱. شیوه پولی جبران خسارت در حقوق ایران

جبران خسارت مستلزم ارزیابی خسارت وارده است و ارزیابی نیازمند اعمال شیوه‌ای است که بتواند خسارت وارده را حتی الامکان به نحو کامل جبران کند. در حقوق ایران مهمترین و شایعترین روش جبران خسارت که اجرای آن آسان‌تر و سریعتر است، روش پولی جبران خسارت می‌باشد که براساس آن، معادل پولی خسارت محاسبه و به موجب حکم دادگاه به زیان دیده پرداخت می‌شود. لیکن در این خصوص اجباری نیست و امکان تراضی طرفین در انتخاب شیوه وجود دارد. شیوه‌های پولی جبران خسارت در قالب‌های زیر در حقوق ایران قابل بررسی می‌باشد:

1. Willmott

2. Agreed Damages Clauses

3. MC Gregor

الف. پرداخت معادل پولی خسارت

در حقوق ایران شایع ترین روش جبران خسارت در مسئولیت قراردادی، پرداخت معادل پولی آن است، اما این روش اجباری نیست و علاوه بر امکان تراضی طرفین برخلاف آن، قاضی را نیز باید در انتخاب روش جبران خسارت مختار دانست زیرا: در قوانین موجود الزامی بر روش پرداخت معادل پولی خسارت دیده نمی شود بلکه با توجه به مواد مختل مربوط به ضمان قهری در قانون مدنی از جمله مواد (۳۱۱-۳۳۱) و استفاده از ملاک آن برمی آید که هدف جبران کامل خسارت است و در این راستا حتی پرداخت مثل مال تلف شده بر پرداخت قیمت آن ترجیح دارد. از سوی دیگر طبق ماده ۳ ق.م.م، اختیارات وسیعی به قاضی در انتخاب شیوه جبران خسارت داده شده است و با الغاء خصوصیات از آن با توجه به وحدت بنیادین مسئولیت قهری و قراردادی می توان آن را در مسئولیت قراردادی نیاز جاری دانست. البته ضرورت رجوع به دیگر طرق جبران خسارت در قلمرو مسئولیت قراردادی خیلی کمتر محقق می شود و لذا در اغلب قریب به اتفاق موارد، روش جبران خسارت همان روش پرداخت معادل پولی خسارت است و روش های دیگر در آراء دادگاهها به چشم نمی خورد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۴۰)

ب. بازفروش کالا

چنانچه طرف دیگر در تصرف کالا یا پس گرفتن آن یا در پرداخت ثمن یا هزینه های حفظ کالا به نحو غیر متعارفی تاخیر ورزد، طرفی که موظف به حفظ کالا است می تواند آن را به طریق مقتضی به شرط اخطار متعارف مبنی بر قصد فروش، به شخص ثالثی بفروشد. در حقوق ایران حق بازفروش در قوانین پیش بینی نشده و طبق اصول کلی حاکم بر معاملات صرف تخلف مشتری از مفاد قرارداد نمی تواند مادام که بیع فسخ نشده و میع در ملک وی است برای بایع حق بازفروش ایجاد کند، زیرا این عمل تصرف فضولی در مال غیر و غیرنافذ است. (صفایی، ۱۳۷۵: ۴۵۹) ماده (۳۵۲) قانون مدنی مقرر می دارد « بیع فضولی نافذ نیست مگر بعد از اجازه مالک به طوری که در معاملات فضولی مذکور است.»

شاید بتوان با الغاء خصوصیت از مواد ۳۷۱ و ۳۷۲ قانون تجارت و استخراج یک قاعده عام از آن دو، حکم به جواز فروش مال متعهد قراردادی توسط متعهدله به عنوان وثیقه مطالبات و ابزار جبران خسارت در صورت عدم امکان الزام وی به جبران خسارت و پرداخت سایر دیون خود داد. از سوی دیگر می توان با صدور قرار تامین خواسته نسبت به مال متعهد (مبیع در بیع) و توقیف و سپس فروش آن هدف از بازفروش کالا را تامین کرد.



۳-۱-۲. جایگاه شرط خسارت در حقوق ایران

شرط خسارت عبارت از ارزیابی قراردادی خسارت و در مقابل ارزیابی قانونی و ارزیابی قضایی خسارت است. توافق مقطوعی است که به موجب آن طرفین قرارداد پیشاپیش میزان خسارت ناشی از عدم اجرا یا تاخیر در اجرای قرارداد را معین می‌سازند. شرط خسارت جایگزین قواعد عمومی خسارت ناشی از نقض قرارداد است. یعنی در صورتی قابلیت مطالبه می‌یابد که متعهدله مطابق قواعد عمومی حق اقامه دعوی خسارت را داشته باشد. اما از آنجا که با توافق بر خسارت، اثبات خسارت از شرایط دعوی خسارت حذف شده است، کافی است که متعهدله وقوع تخلف یا نقض قرارداد را به اثبات برساند تا در دعوی مطالبه شرط خسارت به مقصود خود نائل گردد.

کاهش خسارت دادرسی و هزینه‌های ارزیابی خسارت و احتراز از مشکلات اثبات خسارت از جمله دلایلی است که توافق خسارت را توجیه می‌کند. در بیان اهمیت شرط خسارت همین بس که با اعمال این شرط قواعد عمومی مطالبه خسارت و شرایط آن از قبیل مستقیم بودن خسارت، قابل پیش بینی بودن خسارت و اصل جبران کامل خسارت قابلیت اعمال خود را از دست می‌دهد. (مقصودی و ایمان پور، منبع پیشین: ۱۱۸)

در حقیقت در این که وقتی بدهکار دین (پولی) خود را نمی‌پردازد باید خسارت پرداخت کند تردید نشده است بلکه تردید درباره چگونگی جبران آن است: گاهی طرفین بر میزان خسارت توافق می‌کنند (وجه التزام)، گاهی قانون میزان مقطوع خسارت را مشخص می‌کند (بهره قانونی) و گاهی گفته می‌شود خسارت محدود به کاهش ارزش پول ملی است (نرخ تورم). وجه التزام در تعهدات پولی به مانع ربوی بودن برخورد می‌کند و بهره قانونی نیز مجوز اجرای توافقات ربوی تشخیص داده و حذف شد. نرخ تورم هم با موانعی مواجه است از جمله این که در بسیاری موارد نمی‌تواند خسارت را به طور کامل جبران کند. بدین ترتیب نظام حقوقی و رویه قضایی ایران هرگز نتوانسته به وحدتی معقول در این زمینه برسد. (محقق احمدآبادی و رضایی نژاد، ۱۳۹۸: ۱) با این وصف به بررسی جبران خسارت ناشی از تاخیر در اجرای تعهدات قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا می‌پردازیم.

۳-۲. جبران خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی

از جمله نکاتی که مورد توجه واضعان مقررات کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بوده است، ضمانت اجرای تعهدات قراردادی و جبران خسارت در صورت نقض تعهدات قراردادی بوده است که این نقض تعهد ممکن است در نتیجه عدم اجرای تعهدات یا تاخیر در اجرای تعهدات باشد. مقررات این ضمانت اجرا هم در خصوص تعهدات فروشنده مورد توجه قرار داده و هم در مورد تعهدات خریدار و طرق جبرانی را نیز بر این اساس بیان نموده است.

طرق جبرانی که در کنوانسیون در صورت نقض تعهد خریدار برای فروشنده مقرر شده است عبارتند از:

- نخست- اجرای اجباری قرارداد که در مواد (۶۱) و (۶۲) کنوانسیون به آن اشاره شده است.
- دوم- فسخ قرارداد که در مواد (۶۱) و (۶۴) کنوانسیون اشاره شده است.
- سوم- پرداخت خسارت که در ماده (۶۱) و مواد (۷۴ تا ۷۷) کنوانسیون مورد توجه قرار گرفته است.
- چهارم- فروشنده می تواند مطابق ماده (۷۸) بهای ثمن را تقاضا نماید.
- پنجم- فروشنده مطابق ماده (۸۸) کنوانسیون بیع بین المللی کالا، مبیع را به دیگری بفروشد و خسارت خود را از این راه جبران نماید.
- نگاهی به ماده (۶۱) کنوانسیون نیز نشان می دهد که تمسک به یکی از طرق جبران (اجرای اجباری یا فسخ) مانع درخواست خسارت از خریدار نیست. بر این اساس فروشنده می تواند ضمن درخواست اجباری قرارداد یا ضمن فسخ قرارداد خسارت را نیز مطالبه نماید.

۱-۲-۳. شیوه های جبران نقض قراردادی در کنوانسیون بیع بین المللی

در کنوانسیون بیع بین المللی کالا شیوه های متعددی برای جبران نقض قرارداد پیش بینی شده است که می تواند ناشی از تاخیر در اجرای تعهدات قراردادی باشد. این موارد در کنوانسیون متعدد بوده و لذا بطور مختصر مورد بررسی قرار می گیرد.

الف. اجرای اجباری قرارداد:

مقررات کنوانسیون بیع بین المللی کالا این حق را برای فروشنده در نظر گرفته است که در صورتی که خریدار در اجرای تعهدات خود تاخیر نمود، اجبار او را به اجرای تعهد درخواست نماید. ماده (۶۲) کنوانسیون بیع بین المللی کالا مقرر می دارد «فروشنده می تواند از خریدار تقاضای پرداخت ثمن، قبض کالا یا ایفای دیگر تعهداتش را بنماید، مگر اینکه متوسل به یک طریق جبران خسارتی منافی با این تقاضاست شده باشد.»

در فرضی که فروشنده کالا را تسلیم خریدار نموده اما ثمن پرداخت نشده است، درخواست اجرای اجباری معنا دارد اما در فرضی که کالا هنوز به قبض خریدار درنیامده فروشنده می تواند به طرق دیگر مانند فروش مجدد مبیع اقدام کند و اجرای اجباری معنایی پیدا نمی کند.

در خصوص اجرای اجباری ماده (۲۸) کنوانسیون مقرر می دارد «اگر بر اساس مقررات این کنوانسیون یک طرف قرارداد حق داشته باشد که ایفاء تعهدی را از طرف دیگر درخواست کند، دادگاه مکلف به صدور حکم نسبت به اجرای عین تعهد^۱ نیست مگر اینکه مطابق قانون متبوع خود

1 . specific performance

نسبت به قراردادهای مشابه که مشمول مقررات این کنوانسیون نیستند حکم به اجرای عین تعهد دهد. تدوین این قاعده شاید به دلیل تفاوت در نظام‌های کامن‌لا و رومی - ژرمنی و الزام دادگاه در رسیدگی براساس مقررات این دو نظام بوده است.

ب. فسخ قرارداد

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در دو مورد به موضوع حق فسخ اشاره شده است. یکی در ماده (۴۹) که مقرر می‌دارد «خریدار در موارد زیر می‌تواند قرارداد را فسخ نماید... الف - در صورت تأخیر در تسلیم، در ظرف مدت معقولی پس از وقوف از تسلیم کالا، ب - در رابطه با نقض قرارداد غیر از تأخیر در تسلیم در ظرف مدت معقولی که: (I) بعد از اینکه او دانست یا باید می‌دانست که قرارداد نقض شده است؛ (II) بعد از انقضاء مهلت اضافی که مطابق پاراگراف اول ۴۷ توسط خریدار تعیین شده یا بعد از اینکه فروشنده اعلام کرد که او در مهلت اضافی نیز به تعهداتش عمل نخواهد کرد یا (III) بعد از انقضاء مهلت اضافی که توسط فروشنده بر اساس پاراگراف (۲) اصل (۴۸) مشخص شده است، یا بعد از اینکه خریدار اعلام کرده کخ او ایفاء تعهد را قبول نخواهد کرد.» همچنین در ماده (۶۴) که مقرر می‌دارد «فروشنده می‌تواند [در موارد ذیل] اعلام نماید که از قرارداد اجتناب کرده است. الف - در صورتیکه عدم توفیق خریدار در ایفاء هر کدام از تعهداتش به موجب قرارداد یا این کنوانسیون نقض اساسی قرارداد محسوب شود؛ یا ب - چنانچه خریدار ظرف مهلت اضافی که توسط فروشنده بر اساس پاراگراف (۱) از اصل ۶۳ تعیین شده است تعهدات خود را دایر بر پرداخت ثمن یا قبض کالا ایفاء نکند یا اعلام نماید که در ظرف مهلت مذکور به تعهداتش جامه عمل نخواهد پوشاند. (۲) معهذاً، در مواردی که خریدار ثمن را پرداخته باشد فروشنده حق اعلام اجتناب از قرارداد را از دست خواهد داد مگر اینکه او این کار را بطریق ذیل انجام دهد: الف - در رابطه با تأخیر در ایفاء تعهد خریدار، قبل از اینکه فروشنده واقف شود که ایفاء تعهد شده است؛ یا ب - در رابطه با هر گونه نقض دیگری، بجز تأخیر در ایفاء از طرف خریدار ظرف مدت متعارفی که: (یک) - بعد از اینکه او دانست یا باید می‌دانست که قرارداد نقض است؛ (دو) - پس از انقضاء مهلت اضافی که مطابق پاراگراف (۱) اصل ۶۳ توسط فروشنده تعیین شده است، یا بعد از اینکه خریدار اعلام کرد که او در مهلت اضافی هم به تعهداتش عمل نخواهد کرد.»

ب. تعلیق اجرای تعهدات

بند (۱) ماده (۷۱) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ناظر به موردی است که تعلیق اجرا را به عنوان یک شیوه برای تأخیر در اجرا بیان نموده است. این ماده مقرر می‌دارد «اگر بعد از انعقاد قرارداد آشکار

شود که یکی از طرفین به علل ذیل بخش معظمی از وظایف خود را انجام نخواهد داد طرف دیگر قرارداد می تواند اجرای تعهدات خود را معلق نماید:

الف) نقصان فاحش در توانائی یا اعتبار مالی متعهد برای ایفاء قرارداد؛ یا ب) نحوه رفتار متعهد در تمهید و تدارک ایفاء قرارداد یا اجرای آن...» در این خصوص تاخیر در اجرای تعهدات قراردادی می تواند نشانه ای برای تحقق یکی از موارد مندرج در بند (۱) ماده (۷۱) به عمل آید. البته برای انجام موضوع مربوطه مقررات کنوانسیون تشریفات خاصی را مقرر نموده است. در بند (۲) ماده (۷۱) مقرر می دارد «اگر فروشنده قبل از اینکه زمینه های مذکور در پاراگراف فوق هویدا شود کالا را ارسال کرده باشد می تواند از تسلیم آن به خریدار جلوگیری بعمل آورد هر چند که خریدار دارای سندی باشد که بموجب آن ذیحق در قبض کالا باشد. پاراگراف حاضر فقط در رابطه با حقوق بر کالا بین خریدار و فروشنده است.» و همچنین در ماده (۳) بیان می دارد «طرفی که اجرای تعهد را، خواه قبل از ارسال کالا یا بعد از آن، تعلیق می نماید موظف است فوراً اخطار مبنی بر تعلیق را به طرف دیگر بدهد و چنانچه طرف دیگر تضمین کافی در ایفاء تعهداتش بدهد مکلف است که به اجرای تعهدات خود ادامه دهد.»

ت. پرداخت خسارت

یکی دیگر از شیوه های جبران نقض قراردادی که تاخیر در اجرای قرارداد می تواند از اشکال آن به حساب آید، پرداخت خسارت می باشد. خسارت قراردادی می تواند به دو دسته تقسیم گردد؛ نخست - خساراتی که قابلیت جبران دارند، یعنی زیان هایی که توسط متخلف ایجاد شده است و خساراتی که چنین قابلیتی ندارند. (صفایی و دیگران، منبع پیشین: ۲۲۷)

ماده (۷۴) کنوانسیون بیع بین المللی در این خصوص مقرر می دارد «سارات ناشی از نقض قرارداد بوسیله یکی از طرفین عبارت است از مبلغی برابر زیان، از جمله عدم النفعی، که طرف دیگر بر اثر نقض متحمل شده است. چنین خساراتی نمی تواند از مقدار زیانی که نقض کننده، در زمان انعقاد قرارداد و در پرتو حقائق و موضوعاتی که در همان موقع از آنها مطلع بوده یا نمی توانسته است از آنها بی اطلاع باشد، به عنوان اثر احتمالی نقض قرارداد پیش بینی کرده یا می یابد پیش بینی می کرد، متجاوز باشد.»

اگرچه در روابط قراردادی ممکن است طرفین برای جبران خسارت احتمالی آتی که در اثر تخلف ایجاد می شود، تمهیداتی اندیشیده و به نحوی آن را بیمه و تضمین نموده باشند لیکن این بدان معنا نیست که خود در این زمینه مسئولیتی نداشته باشند و آنچه پس از بروز تخلف به عنوان خسارت متحمل می شوند تماماً قابل جبران باشد. در این زمینه برخی نظام های حقوقی مقرراتی را به منظور تقلیل خسارت درج نموده اند. در این خصوص ماده (۷۷) کنوانسیون بیع بین المللی کالا مقرر می دارد «طرفی که به نقض قرارداد استناد می کند مکلف است با توجه به اوضاع و احوال

اقدامات متعارفی برای کاهش خسارت، از جمله عدم النفع، ناشی از نقض قرارداد معمول دارد. می‌تواند به میزانی که خسارت قابل پیشگیری بوده، مدعی کاهش خسارت گردد. با توجه به درج شرط خسارت در قراردادها لازم است تا در خصوص جایگاه شرط خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مطالب را ارائه نماییم.

۳-۲-۲. شرط خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به عنوان یکی از موفق‌ترین اسناد بین‌المللی در مواد (۷۴ الی ۷۸) نظام خاصی را برای جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد پیش‌بینی کرده است که بر اصولی از قبیل جبران کامل خسارت و قابلیت پیش‌بینی زیان متکی است. با این وجود شرط خسارت جایگاه صریحی در این نظام خسارت ندارد و اختلاف کشورهای متعاقد موجب شده است تا کنوانسیون از تصویب حکمی در این موضوع بازمانده و آن را به سکوت برگزارد.

در بند (۲) ماده (۷) کنوانسیون مقرر می‌دارد «مسائل مربوط به موضوعات تحت حاکمیت کنوانسیون حاضر که تکلیف آنها صریحاً در این کنوانسیون تعیین نشده، بر طبق اصول کلی که کنوانسیون مبتنی بر آن است و در صورت فقدان چنین اصولی بر طبق قانونی که حسب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی (تعارض قوانین) قابل اعمال است حل و فصل خواهند شد».

سوء تفاهم و اختلاف در اجرای کنوانسیون از دو موضوع نشأت می‌گیرد. مشکل نخست طرز تلقی قومیت‌گرا که تلاش می‌کند عبارات و احکام کنوانسیون را در چارچوب معانی و اصول موجود در نظام حقوقی داخلی تفسیر نموده و بکار گیرد. این مشکل بارها مورد انتقاد دکترین و قضات دوران‌دیش واقع شده است. به زعم «لرد دیپلک» کنوانسیون نباید به وسیله قواعد فنی حقوق انگلیس یا رویه قضایی انگلیس، بلکه می‌بایست بر مبنای اصول کلی مورد قبول عام تفسیر شود. با این وجود همچنان مشاهده می‌شود که قضات و داوران تمایل دارند تا قوانین ملی را به هزینه کنوانسیون اعمال نمایند. (زله، ۲۰۰۶: ۳۱۱)

راه حل مشکل مذکور در متن مشکل مستتر است، بطوری که در تفسیر و اجرای کنوانسیون دو اصل باید در نظر گرفته شود. اول اینکه تفسیر می‌بایست هماهنگ با خصوصیت و هدف کنوانسیون انجام شود. دوم اینکه کنوانسیون یک کارکرد خاص دارد و آن اینکه قواعد بین‌المللی متحد‌الشکل را جایگزین حقوق داخلی می‌کند. (هونالد، ۲۰۰۵: ۱۶)

در خصوص جایگاه شرط خسارت در حقوق داخلی نیز باید گفت که حقوق داخلی کشورها درباره شرط خسارت چنان مشتت است که رجوع به قوانین داخلی کشورها به استناد ماده (۴) کنوانسیون و یا به عذر فقدان حکم صریح مندرج در کنوانسیون باعث می‌شود ثبات و قابلیت

1. Zeller

2. Honnold

پیش بینی که دستاورد اجرای قواعد متحدالشکل بین المللی است دچار مخاطره گردد. پذیرش شرط خسارت و اعمال آن با توجه به اصل حاکمیت اراده و با استناد به عرف بین المللی با هدف کنوانسیون انطباق بیشتری دارد و موجب هماهنگی میان این کنوانسیون و اسناد بین المللی دیگر از قبیل اصول قراردادهای بازرگانی و اصول حقوق قراردادهای اروپایی می شود.

بحث و نتیجه گیری

با آنکه اصل بر لزوم اجرای قراردادهاست اما عدم اجرای قرارداد یا تاخیر در اجرای قرارداد یکی از ریسک هایی است که طرفین قرارداد با آن رو به رو هستند. از این شکل از نقض تعهدات قراردادی در قانون ما با عنوان مسئولیت قراردادی یاد می شود. در مسئولیت قراردادی فعل زیانبار غالباً بصورت منفی (ترک فعل) است مانند تاخیر یا عدم اجرای تعهد یا نقض اجرا (عدم انجام تعهد بطور کامل) بدین جهت به اینگونه افعال در زیانبار در مبحث مسئولیت قراردادی عنوان عهد شکنی داده شده است. نقض قرارداد یا نقض تعهد به معنای این است که متعهد آنچه به موجب قرارداد متعهد به انجامش بوده انجام ندهد یا نقض تکلیفی انجام دهد. هرگاه در نتیجه تاخیر یا عدم اجرای قرارداد و پیمان شکنی یک طرف به طرف دیگر ضرر برسد، متخلف باید آن را جبران کند. در حقیقت هرگاه نقض قرارداد ناشی از عدم انجام تعهد یا تاخیر در اجرای تعهد از ناحیه یکی از طرفین قرارداد موجب خسارت به طرف دیگر شود، وی حق مطالبه و جبران خسارت را دارد. این حق مطالبه خسارت جدای از سایر طرق جبرانی نظیر اجرای اجباری و فسخ قرارداد است. همچنین لازم نیست نقض تعهد از ناحیه مدیون که به طلبکار حق درخواست جبران خسارت را می دهد، لزوماً همراه با تقصیر باشد.

در خصوص شرایط خسارت تاخیر در اجرای تعهدات قراردادی به مواردی چون اثبات تقصیر، قابل پیش بینی بودن و احراز رابطه سببیت توجه می گردد. جبران خسارت، ضمانت اجرایی مهم و مستقل، در مورد تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی محسوب می شود. از منظر کنوانسیون بیع بین المللی کالا و اصول قراردادهای تجاری بین المللی، هدف جبران خسارت، قرارگرفتن زیان دیده در موقعیت اجرای قرارداد است و بر این مبنای «نظریه جبران کامل خسارت» پذیرفته شده که بر اساس آن، زیان دیده علاوه بر زیان های وارده، هرگونه نفعی که از آن محروم شده را نیز می تواند مطالبه نماید. تاخیر در اجرای قرارداد ممکن است از ناحیه فروشنده از باب تسلیم کالا و یا از سوی خریدار از باب پرداخت ثمن باشد. این امر ممکن است موجب خساراتی برای هر یک طرفین گردد که در نظام های حقوقی و از جمله ایران برای این منظور شیوه هایی برای جبران خسارت مانند پرداخت معادل پولی خسارت و بافروش کالا پیش بینی شده است. طرق جبرانی که در کنوانسیون در صورت نقض تعهد خریدار برای فروشنده مقرر شده است عبارتند از: نخست - اجرای اجباری قرارداد که در مواد (۶۱) و (۶۲) کنوانسیون به آن اشاره شده است. دوم - فسخ

قرارداد که در مواد (۶۱) و (۶۴) کنوانسیون اشاره شده است. سوم- پرداخت خسارت که در ماده (۶۱) و مواد (۷۴ تا ۷۷) کنوانسیون مورد توجه قرار گرفته است. چهارم- فروشنده می‌تواند مطابق ماده (۷۸) بهای ثمن را تقاضا نماید. پنجم- فروشنده مطابق ماده (۸۸) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مبیع را به دیگری بفروشد و خسارت خود را از این راه جبران نماید. در خصوص شرط خسارت نیز باید گفت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به عنوان یکی از موفق‌ترین اسناد بین‌المللی در مواد (۷۴ الی ۷۸) نظام خاصی را برای جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد پیش‌بینی کرده است که بر اصولی از قبیل جبران کامل خسارت و قابلیت پیش‌بینی زیان متکی است. با این وجود شرط خسارت جایگاه صریحی در در این نظام خسارت ندارد.

منابع

- بادینی، حسن؛ فرزاد بروجنی، فرناز (۱۳۹۷) نگرش تحلیلی به امکان فسخ قرارداد با وجود ممکن بودن اجرای عین تعهد در حقوق آلمان و ایران، مطالعات حقوقی، ۱۰(۱)
- نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۷۵) آثار قوه قاهره و انتفای قرارداد، مجله حقوقی بین المللی، ۱۵(۲۱)
- طهماسبی، علی (۱۳۹۷) مطالعه تطبیقی الزام به ایفای عین تعهد و فسخ قرارداد در حقوق ایران و آلمان، پژوهشهای حقوق تطبیقی، ۲۲(۱)
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۶) قوق مدنی جلد سوم: آثار قراردادها و تعهدات، چاپ سوم، تهران: مجد
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲) مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش
- صفایی، حسین؛ رحیمی، حبیب الله (۱۳۹۷)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). الزام های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی جلد اول، چاپ نهم، تهران: قواعد عمومی نشر دانشگاه تهران
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم: اجرای قرارداد، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار
- زنگنه شهرکی، جعفر (۱۳۹۵) جبران خسارت ناشی از تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی در حقوق ایران، کنوانسیون بیع بین المللی و اصول UNIDROIT، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی
- مقصودی، رضا؛ ایمان پور، اکبر (۱۳۹۲) جایگاه شرط خسارت در کنوانسیون بیع بین المللی کالا، حقوق تطبیقی، ۲(۱۰۴)
- صفایی، سید حسین و دیگران (۱۳۹۰) حقوق بیع بین المللی، بررسی کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰، با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- صفایی، سید حسین (۱۳۷۵) حقوق مدنی و حقوق تعهدات، مجموعه مقالات اول، تهران، نشر میزان
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶) حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۸۵) حقوق تعهدات، تهران: نشر میزان
- Markesinis, B. S., Unberath, H., & Johnston, A. C. (2006). The German Law of Contract: a comparative treatise. Bloomsbury Publishing.
- Zekoll, J., & Wagner, G. (Eds.). (2018). Introduction to German law. Kluwer Law International BV.
- Jansen, C. (2016). Accidental Harm Under (Roman) Civil Law. In The Challenge of Chance. The Frontiers Collection.
- Willmott, lindy (2001) Contract Law, Oxford University Press.
- Bernard Audit, (1990) La Vente Internationale des Merchandises, Paris, L.G.D.J.
- Zeller, Bruno (2011), Penalty Clauses: Are They Governed by the CISG? 23 Pace Int'l L, Rev, 1. Available at: <http://digitalcommons.pace.edu/pilr/vol23/iss1/1>, Last visited 2011/11.
- Honnold, John O; (2005), Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention, 3rd ed, Kluwer Law International Publication, Last Updated 2005. Available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/ho74.html>, Last visited 2011/6